

عوامل تهذیب نفس در نگاه ملاصدرا

The Factors of the Purification of Soul According to Mulla Sadra

Sayyed Mohammadreza Hosseini*

سیدمحمدرضا حسینی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

Abstract

The purification of soul is defined as purifying and clearing of soul for the purpose of growth, felicity and happiness of man. This purpose is pivotal in the *Quran*, and in the traditions of the innocent Ahlalbayt. Of course, achieving this high goal depends on the leadership and the guidance of Allah and it does not include all human beings and only includes those people whom Allah intends to guide.

In this paper, we consider all different views regarding the purification of soul and deal with its position in the teachings and notions of Mulla Sadra. We also consider different factors such as the Quran, the prophets, the teachers, knowledge, worship and Allah's favor which all are important. Of these, the most useful is the exercise of purifying soul through paying one's attention to the world and worldly matters. Following Mulla Sadra's views, one can attain the purification of soul which is one of the basic goals in approaching Allah.

Keywords: Islam, human, purification, soul, Mulla Sadra.

چکیده

تهذیب نفس عبارت است از پاکیزه کردن، پاک نگه داشتن، تطهیر، پیراستن و آراستن برای رشد، تعالی و سعادت ابدی انسان، که مورد عنایت و توجه قرآن و روایات معصومین(ع) قرار دارد؛ گرچه طی کردن این مراتب به هدایت و ارشاد الهی مشروط بوده و شامل همه افراد نمی‌شود بلکه تنها شامل آن انسانی می‌شود که خواست خدا به آن تعلق گرفته باشد. ما در این مقاله با در نظر گرفتن دیدگاه‌های مختلفی که پیرامون تهذیب نفس ارائه شده است، جایگاه، هدف و عوامل تهذیب نفس در نگاه و اندیشه ملاصدرا را مورد بررسی قرار داده‌ایم. نتیجه پژوهش این است که عوامل متعددی مانند: قرآن، انبیا و راهنمایان، علم، عمل و عبادات و تأییدات الهی، در تهذیب نفس نقشی مهم و به‌سزا ایفا می‌کنند. از جمله نافع‌ترین تمرین‌ها برای تهذیب نفس، عباداتی با هدف قطع توجه از غیر خدا به خداست، از این‌رو با تحقیق از آثار ملاصدرا می‌توان دریافت که تهذیب نفس در نظر ملاصدرا، از اهداف غائی بوده و موجبات تقرب الی الله را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: اسلام، انسان، تهذیب، نفس، ملاصدرا.

* Associate Professor, Payame Noor University. mreza_hosseini@yahoo.com

* دانشیار دانشگاه پیام نور. mreza_hosseini@yahoo.com

مقدمه

تهذیب نفس به معنای پاکیزه کردن، پاک نگه داشتن، تطهیر، پیراستن، آراستن و پاک‌سازی نفس از اخلاق ناپسند، پلیدی‌ها و آلودگی‌های اخلاقی با هدف گام برداشتن به سوی فضائل اخلاقی است که در نهایت موجب رشد، کمال و سعادت واقعی در دنیا و آخرت می‌شود؛ از این رو شاه‌کلید ورود به خط سیر تکامل الهی سلوک روحانی، تهذیب و تزکیه نفس است.

از جمله مباحث مهمی که بسیار مورد تأکید قرآن قرار گرفته و آیات بسیاری درباره آن نازل شده، تزکیه و تهذیب نفس است. از دیدگاه قرآن، نفس انسانی در ابتدا مانند لوحی سفید و خالی است که هم قابلیت تهذیب و دریافت کمالات را دارد و هم قابلیت آلوده شدن به تیرگی‌ها را. هر دوی این قابلیت‌ها با توجه به مختار بودن انسان، با اختیار و انتخاب خود او صورت می‌گیرد؛ چنانکه در قرآن آمده: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر و پذیرا باشد، خواه کفران‌کننده و ناپذیرا (انسان: ۳).

در اهمیت تزکیه و تهذیب نفس، همین بس که قرآن کریم پس از یازده بار قسم در سوره شمس، تزکیه نفس را تنها عامل رستگاری و راه رسیدن به سعادت فردی معرفی می‌کند و فساد اخلاقی را منشأ بدبختی و مایه زیان می‌شمارد؛ از همین رو خداوند به واسطه لطف و رحمت، انبیاء (ع) را مبعوث فرموده تا مردم را از اعمال زشت و ناپسند منصرف و از عواقب سوء آن آگاه سازند.

در سخنان انبیا (ع) و ائمه معصومین (ع) آلودگی به عنوان مانع انسان در راه رسیدن به کمال، جلب رضای خداوند و برکات معنوی و مادی ذکر شده است و از طرفی دیگر، تزکیه و تهذیب نفس شرط ورود و جلب رحمت خداوند و قرار گرفتن در عرش الهی معرفی شده است. بر همین اساس امام سجاد (ع) در حدیثی فرمودند: «حضرت موسی (ع) از خداوند پرسید: «آنها که

در قیامت در سایه عرش تو به سر می‌برند چه کسانی هستند؟» پاسخ آمد که پاکدلان در سایه عرش من به سر می‌برند. آنان که غیر حق را نمی‌نگرند و نمی‌خواهند و از هیچ اطاعتی دریغ نمی‌ورزند» (برقی، ۱۴۱۶: ۱۹۷).

۱. مفهوم‌شناسی تهذیب

کلمه «تهذیب» در لغت، مصدر ثلاثی مزید از باب تفعیل است که ثلاثی مجرد آن «هذَّب» به معنای قطع کردن درخت، بهبود یافتن از مرضی و اصلاح کردن از معایب می‌آید.

در المنجد آمده است: «هذَّب هذَّباً الشجر و غیره قطعه و نقاه و اصلحه او النخلة نزع عنها الليف»: پوست درخت خرما رشته‌ها و تارهای درخت خرما و نارگیل. هذَّب الشجر و غیره به معنی هذبه و شدد لکثرت. و الرَّجُلُ: طهر اخلاقه مما يعيبها، تهذَّب، مطاوع، هذَّب و الرجل كان مهذباً (معلوف، ۱۳۸۱: مادة تهذیب).

همچنین معنای تهذیب در لسان العرب عبارت است از پاک و خالص کردن میوه حنظل از مغز آن و تلخی‌اش گرفته شده است، تا اینکه آن میوه از تلخی درآمده و خوش‌خوراک شود (ابن منظور، ۱۹۹۷: ۶۳/۱۵).

در معجم المقاییس اللغة نیز آمده است که «ریشه آن به سرعت در پریدن و دویدن شیء بازمی‌گردد، به طوری که تعلق و آویخته شدن چیزی به آن ممکن نباشد؛ یعنی گرفتار عیب و بسته به نقصی نمی‌گردد» (ابن فارس، ۱۳۶۲: ۴۵/۶).

همچنین زبیدی در تاج العروس می‌گوید: «ریشه تهذیب به پاک‌سازی درختان از شاخه‌های اطراف آن بازگشت دارد، تا رشد و نیکویی آنها بیشتر شود؛ و سپس در پاک کردن، تطهیر، اصلاح و خالص کردن هر چیزی از عیب و نقص و فساد به نحو حقیقت عرفیه استعمال می‌شود؛ چنانکه نزد اهل فصاحت و ادب در پاک و خالص کردن شعر و تزیین آن به کار گرفته می‌شود». آنگاه خود

به سوی طاعت و فرمانبرداری خدا کشاند و از نافرمانی و معصیت بازش دارد» (کلینی، ۱۳۶۴: ۱/۲۵۱).

مسئله تهذیب نفس از مهم‌ترین وجوه مشخص مکتب فکری ملاصدرا است، وی مباحث متعددی را در حیطه معرفت‌شناسی بر مبنای اهمیت تهذیب، تزکیه، معرفت نفس و سایر مسائل مربوط به تهذیب مطرح کرده است.

۲. مفهوم‌شناسی نفس در نگاه ملاصدرا

صاحب تفسیر المیزان «نفس» را از زبان اهل لغت چنین تعریف کرده است: کلمه «نفس» در اصل به معنای همان چیزی است که به آن اضافه می‌شود؛ پس «نفس الانسان» به معنای خود انسان و «نفس الشیء» به معنای خود شیء است و اگر این کلمه به چیزی اضافه نشود، هیچ معنایی ندارد و نیز با این بیان هر کجا استعمال بشود منظور از آن تأکید لفظی یا معنوی خواهد بود، مانند «جائنی زید نفسه؛ زید خودش نزد من آمد» و در همه موارد حتی در مورد خداوند به همین منظور استعمال می‌شود که فرمود: «کتب علی نفسه الرحمة»؛ رحمت را به خود واجب کرده است (انعام: ۱۲).

و نیز فرمود: «یحذرکم الله نفسه»؛ خدا شما را از خودش بیم می‌دهد (آل عمران: ۲۸). لیکن بعد از معنای اصلی، استعمال آن در انسان که موجودی مرکب از روح و بدن است شایع گشته و معنای جداگانه‌ای شده که بدون اضافه هم استعمال می‌شود، مانند «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها»؛ خدا آن کسی است که شما را از یک نفس خلق کرده و همسر او را هم از او قرار داد (اعراف: ۱۸۹).

و آنگاه همین کلمه را در روح انسانی استعمال کردند، چون آنچه مایه تشخیص انسان است علم و حیات و قدرت است که آن هم قائم به روح آدمی است. معنای دوم «شخص»، «نفس» و معنای سوم «روح» در مورد نباتات و حیوانات به کار نرفته،

زیبیدی عقیده ابن منظور را در ریشه‌یابی لغت تهذیب صحیح دانسته و همان را انتخاب می‌کند (زیبیدی، بی‌تا: ۳۸۶/۴).

بر اساس معنایی که کتاب‌های لغت درباره واژه «تهذیب» ارائه داده‌اند، به طور خلاصه می‌توان گفت تهذیب عبارت است از پاکیزه کردن، پاک داشتن، تطهیر، خالص کردن، درست کردن، پیراستن و زدودگی، آراستن و نیز به معنای آراستن شعر، اصلاح کردن درخت، بریدن، تیز رفتن، شتافتن در پریدن، دویدن در سخن و تیز سخن گفتن. بر همین اساس در قرآن کریم نیز پس از یازده بار سوگند می‌فرماید: «هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است» (شمس: ۹ و ۱۰).

همچنین در قرآن هدف از وجود و برانگیخته شدن پیامبران تزکیه، تهذیب و پرورش نفوس ذکر شده است (آل عمران: ۱۶۴). این موضوع با عناوین مختلف مانند تهذیب نفس، تزکیه یا خودسازی در کلمات بزرگان نیز به چشم می‌خورد.

تهذیب و تزکیه را می‌توان پالایش نفس از رذایل اخلاقی و آراستگی به فضائل اخلاقی دانست؛ هم‌چنانکه برخی از دانشمندان علم اخلاق می‌گویند، برای خودسازی ابتدا باید رذائل اخلاقی و اخلاق بد را از خود دور کرد، سپس درخت پاکی نشانند. بدیهی است با وجود صفاتی مانند حسد، کبر، خودپسندی، خودخواهی و شهوترانی، متصف شدن به صفات پسندیده و انجام اعمال خیر بسیار مشکل خواهد بود.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «خدا رحمت کند انسانی را که همیشه پروردگارش را در نظر داشته باشد، از گناه کناره گیرد و با خواهش دل بجنگد و آرزوی دنیایی خود را تکذیب کند و نفس سرکش خود را با تقوا و پرهیزکاری مهار کند و با لگام ترس از پروردگار بر دهانش دهنه زند و مهارش را

هر انسانی، اعم از عالم و عامی، واجب است که در شناخت نفس بکوشد و در آن کوتاهی نکند (همو، ۱۳۴۰: ۱۳ و ۲۰).

با توجه به آنچه از نظریات ملاصدرا گفته شد، انسان هر چه به خداوند نزدیکتر شود، در واقع به حقیقت خویش نزدیکتر شده است و به هر میزان که از خداوند دور شود، از حقیقت و گوهر خویشتن دور شده است. هم‌چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم بر این نظر صحه گذاشته و می‌فرماید: «تَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»؛ فراموشی خداوند سبب فراموشی خود می‌شود (حشر: ۱۹).

صدرالمتألهین مدعی است که تمام مراتب ملک و ملکوت الهی در دو عالم آفاق و انفس، گنجی را می‌ماند که کلید آن، شناخت نفس آدمی است (همو، ۱۴۰۴: ۲۴-۲۵).

بنابراین، اگر انسان نفس خویش را بشناسد، می‌تواند به تهذیب نفس به پردازد و در مسیر سیر و سلوک و تکامل الی الحق قرار گیرد.

۳. هدف تهذیب نفس از منظر ملاصدرا

بی‌تردید هدف از تهذیب نفس، تطهیر روح و تقرب الی الله و در مرحله عالی آن، فناء فی الله است؛ از این رو تهذیب نفس از اهمیت و اولویت ویژه‌ای برخوردار است و از اهداف مهم بعثت انبیاء به شمار می‌آید و همواره مورد تأکید راهبران الهی بوده است؛ بدین جهت هر یک از انبیاء الهی بشر را به تهذیب و تزکیه نفس دعوت کردند و برای دست یافتن به آن، از هیچ گونه تلاشی دریغ نکرده‌اند.

پس از دوران ائمه معصومین (ع) و در عصر غیبت کبری، عالمان دین نیز به تهذیب نفس توجهی ویژه و اهتمامی خاص مبذول داشته و با نگارش کتب اخلاقی سعی بر تبیین و تشریح مسائل اخلاقی در حوزه نظر و عمل نمودند، از آن جمله می‌توان به کتاب گرانسنگ مکارم الاخلاق طبرسی؛ اخلاق ناصری خواجه نصیر طوسی؛ جامع السعادات ملامهدی نراقی؛ معراج السعاده ملااحمد

مگر از نظر اصطلاح علمی. مثلاً به یک گیاه یا یک حیوان، نفس گفته نمی‌شود و نیز به مبدأ مدبر جسم که جان اوست نیز نفس گفته نمی‌شود و هم‌چنین نفس به معنای دوم و سوم بر جن و ملک که دارای حیات هستند اطلاق نمی‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۲/۴۰۲).

صدرالمتألهین در بیان مراتب وجودی نفس می‌گوید: آدمی تا زمانی که در رحم مادر است، بالفعل نبات است و بالقوه حیوان و هنگامی که از رحم مادر خارج می‌شود، نفس او در مرتبه نفس حیوانی است، سپس با اعمال فکر و رویه، ناطق و مدرک کلیات شده و چنانچه مستعد رسیدن به نفس قدسی و عقل بالفعل باشد، در حدود چهل سالگی، یعنی اوایل بلوغ عقلی و معنوی به آن دست خواهد یافت (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۰: ۲۲۹-۲۲۸).

هم‌چنین او درباره ضرورت همگام بودن تفکر با تهذیب نفس می‌گوید: اگر تزکیه و تهذیب در کار نباشد، نه تنها تفکر انسان نتیجه‌بخش نیست بلکه اعمال عبادی نیز بی‌بهره می‌گردند (همان: ۲۸۷).

او معتقد است فنای نفس از ذات خود و باقی شدن به بقای الهی و کوتاه کردن نظر از هرچه به جز ملاحظه رب و عظمت کبریایی اوست، خصوصیت این مرحله است. در این مرحله، نفس تمامی اشیا را صادره از حق و بازگشت‌کننده به او می‌یابد.

صدرالمتألهین در مبدأ و معاد می‌گوید: «طی کردن این مراتب به هدایت و ارشاد الهی مشروط است و البته این لطف، شامل افراد انسانی نمی‌شود، بلکه تنها آنها را شامل می‌شود که خدا بخواهد و اراده کند» (همو، ۱۳۹۰: ۳۲۴).

وی بر این باور است که معرفت نفس، شاه‌کلید همه علوم و مبنای ایمان به آخرت و نیل به سعادت اخروی، در گرو شناخت نفس و جهل نسبت به آن بزرگ‌ترین اسباب شقاوت خلائق در آخرت است؛ زیرا کسی که نفس را نشناسد، از شناخت خداوند عاجز خواهد بود و چنین کسی کوردل و در رده بهایم محشور خواهد شد؛ لذا بر

معرفت الله و معرفت نفس تهی هستند، اقدام به نگارش کتاب کسر اصنام الجاهلیه فی الرد علی الصوفیه کرد؛ وی در این کتاب، ضمن به تصویر کشیدن اوضاع فرهنگی و فکری دوران خود، درباره انگیزه نوشتن آن چنین می‌گوید: «وقتی که دیدم در این دوران - که تیرگی‌های نادانی و کوری سرزمین‌ها را فرا گرفته است - عده‌ای با تمام توان بر همراهی با نادانی و ناهمپی در باورها و گفته‌های خود اصرار می‌ورزند و در کارهای خود، کناره‌گیری و فساد اختیار کرده‌اند، و چون دیدم که خاستگاه این نادانی و بیهودگی در گفتار و رفتار اینان امری است که ظرافت آن پوشیده، فتنه‌اش بزرگ، آفتش شدید و مصیبتش همه جا پراکنده است، و چنین دریافتم که ضرر آن در بیشتر طبائع مانوس، رسوخ کرده و شر آن بر فطرت‌های عامی و عقول عادی زیاد گشته است؛ چرا که حیل‌گری شیطان خیال را منتهی درجه دریافت‌های صاحبان کمال پنداشته‌اند... چون چنین دیدم و دریافتم که برطرف ساختن این شر مسئله‌ای مهم برای دین بوده، از میان برداشتن این شبهه و زدودن آن از دل‌های متعلمین و مبتدئین برای رهایی بخشیدن آنان از وسوسه‌های شیطان جایگاهی والا دارد، از خداوند طلب خیر کرده، با تقرب به او و توسل به اولیاء حقیقی شریعت و رؤسای عصمت و هدایت صلوات الله علیهم اجمعین - دست به کار شدم، تا وسوسه‌های آنان را بزدایم، و شبهه‌هایشان را برطرف کنم، و سفاهتشان را باطل کنم، و گره‌های آنان را باز کنم، و فریب‌کاری‌های آنها و گمراهی‌هایشان را ویران سازم، و بت‌های خیالی آنها را بشکنم، و رگ‌های خیالی آنها را ببرم، و رؤیاهایشان را ریشه‌کن سازم؛ پس این رساله را نگاشته، آن را «کسر اصنام الجاهلیه» نامیدم (همو، ۱۳۸۱: ۴۹).

۴. عوامل تهذیب نفس در تفکر ملاصدرا

عوامل بیرونی و درونی متعددی در تهذیب نفس

نراقی؛ المحججه البیضاء فیض کاشانی و اخلاق شبر سیدعبدالله شبر اشاره کرد.

البته باید توجه داشت که به دلیل کشش درونی انسان به صفا و پاکی و میل رسیدن به سرمنزل مقصود از یک طرف و بی‌خبری عموم مردم و طولانی و ناهموار بودن مسیر و نیز ناآشنایی به راه و بیراهه‌ها، از طرف دیگر، دقت در یافتن و داشتن مربی برای رسیدن به کمال، شرط اول تهذیب است، زیرا شیادهای عارف‌نما که خود در راه سیر و سلوک و پاک‌سازی ضمیر، ناآشنا و حتی زمین گیرند نیز در کمین نشسته‌اند. از همین روست که صدرالمتألهین با تیزی و دوران‌دیشی به معرفی آنها می‌پردازد و می‌گوید که بیشترین سبب پیدا شدن اشتباهات و وسوسه‌های شیطانی در قلب‌های اینان دو چیز است:

اول، گروهی شروع در مجاهدت‌ها و چله‌نشینی‌ها کرده و به لباس صوفیان درآیند و شروع در بیعت گرفتن از مریدان کنند و خود را به مقام ارشاد و هدایت منتصب سازند، پیش از آنکه علم به خدا، صفات، افعال، کتاب‌ها، پیامبران و روز قیامت را در خود محکم کرده و نفس انسانی و مراتب آن را در علم و عمل بشناسند و بدانند که کدام دانش از دانش‌ها مکمل او است و او را از قربان گرداند و کدام عمل او را از قید وابستگی و ارهاند و از حضيض اجسام نجاتش بخشیده و به اوج ارواحش رساند...

دوم، نشان دادن چیزهایی است که خوارق عادتش نام نهند و از کراماتش برشمرند؛ در صورتی که چیزی جز شعبده و حیل‌ها نیست که شعبده‌بازان، فالگیران و دعانویسان بدین وسیله مردمان را فریبند؛ این نمونه کارها بزرگ‌ترین حربه‌های فریب و کاری‌ترین وسیله برای گمراه کردن خلق از راه راست و بردنشان به راه فساد و هلاکت است (همو، ۱۳۷۱: ۳۰).

صدرالمتألهین برای پیشگیری از انحراف مردم از درافتادن در دام شیادها و عارف‌نماهایی که از

انسان دخیل هستند که ملاصدرا توجهی ویژه به آنها دارد. در این مجال برخی از آن عوامل مهم که در آثار او هویداست به طور مختصر بیان می‌شود.

۴-۱. کلام وحی

از آنجا که وحی از سوی خداوند برای هدایت و پاسخ گفتن به نیازهای انسان در طول زمان و هر مرتبه از مراتب مکان نازل شده است، می‌توان از آن به عنوان راهنمای جامعی در جهت نیل به تهذیب نفس بهره برد، هم‌چنانکه در آیات الهی وارد شده است: «الرَّحْمَنُ أَنْزَلَناهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»؛ الف، لام، را، کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آورده و به سوی راه شکست‌ناپذیر ستوده است (ابراهیم: ۱).

از این رو عمل به قرآن به عنوان کلام وحی، انسان را از تاریکی‌ها به سوی نور و روشنایی هدایت می‌کند و باعث می‌شود انسان از آلودگی‌های جهالت، شرک و گناه پاک گردیده و نفس خود را تطهیر سازد و در نتیجه فهم آیات قرآن نیز برای او میسر شود.

صدرالمتألهین نخستین و اساسی‌ترین کلید فهم قرآن و دریافت اسرار کلام الهی را تصفیه و تزکیه نفس و کسب تقوای الهی دانسته است؛ هم‌چنانکه در قرآن می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»؛ هر کس خود را از گناه پاک سازد، رستگار خواهد بود (شمس: ۹؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۸).

۴-۲. پیامبران و راهنمایان الهی (امامان معصوم (ع))

پیامبران و راهنمایان الهی به عنوان هادیان انسان در طول تاریخ، با رهنمود کردن انسان‌ها به فرهنگ و معارف دینی، از مهم‌ترین عوامل تهذیب نفس به شمار می‌روند؛ بدین جهت خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ

رُسُلًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (آل عمران: ۱۶).
نقش راهنمایان و هادیان دین در تهذیب و تزکیه، نه تنها توجه دادن انسان به فرهنگ، معارف و هدایت‌گفتاری آنها است، بلکه سیر دادن به سمت سلوک رفتاری و منش اخلاقی آنها نیز هست؛ بر این اساس، از گفتار معصومین (ع) چنین استفاده می‌شود که یکی از شرایط پیشوایان الهی، تزکیه و تهذیب نفس خود، پیش از دیگران است؛ همان‌گونه که خداوند به پیامبر خود - که وظیفه تزکیه امت را عهده‌دار است - دستور مؤکد می‌دهد که از آلودگی‌ها دوری نماید: «وَ ثِيَابِكَ فَطَهِّرْ، وَ الرَّجْزَ فَاهْجُرْ» (مدثر: ۴ و ۵). چنانکه پیداست و به شهادت گفتار بعضی مفسرین، منظور از «تطهیر لباس» در این آیه شریفه تزکیه نفس است، چنانکه «رجز» تمام افعال و اختلاف ناپسند و گناهان را شامل می‌شود.

امیرالمؤمنین (ع) نیز در روایتی فرمودند: «کسی که امامت دیگران را بر عهده دارد باید قبل از تربیت دیگران به تربیت خود پردازد» (نهج‌البلاغه: حکمت ۷۳).

همچنین ملاصدرا بر این باور است که مقربین و برگزیدگان الهی، در کمال وجودی و سعادت نفس مؤثرند. کامل‌ترین احسان و تمام‌ترین نعمت خداوند بر نوع انسان و حتی سایر موجودات، این است که گروهی از بندگان و برگزیدگان خویش را اختیار نموده، با آنها نجوا کرده و اسرار عالم و غیوب هستی را برای آنها عیان نموده است و سپس آنها را به منظور دعوت به سوی حق، در میان بندگان خود مبعوث کرده است تا مردم از انوار الهی نور گیرند و از خواب غفلت، جهالت و

ملاصدرا محبت به خدا را - که موجب تهذیب می‌شود - مولود و برگرفته از معرفت به خدا می‌داند: محبت و عشق به پروردگار، خود مولود معرفت است. هرچه وسعت معرفت افزون‌تر باشد، محبت شدت بیشتری می‌یابد و ثمره آن نیز کوشش بیشتر و حرکت قوی‌تر خواهد بود، هر چه کوشش افزون‌تر شود، معارف و مکاشفات بیشتری نصیب محب می‌گردد؛ بنابراین نقطه آغاز و پایان این اشتیاق و محبت، باز هم معرفت است (همو، ۱۳۷۱: ۱۳۴).

امام خمینی (ره) با عنایت به اشراف بر اندیشه صدرالمتألهین و نیز با در نظر داشتن این مهم که میزان محبت به خدا را می‌توان از حب به کلام محبوب دریافت، می‌فرماید: «با خودبینی، خدابینی و خداخواهی، خیالی خام و امری است باطل و محال. مادامی که مملکت وجود شما از حب نفس و حب جاه و جلال و شهوت و ریاست به بندگان خدا پر است، نمی‌توان ملکات شما را ملکات فاضله دانست و اخلاق شما را اخلاق الهی شمرد... حصول معارف الهیه و توحید صحیح از برای همجو قلبی که منزلگاه شیطان است، محال است و تا ملکوت شما ملکوت انسانی نباشد و قلب شما از این اعوجاجها و خودخواهی‌ها پاک نباشد، منزل حق تعالی نباشد...» (خمینی، ۱۳۷۱: ۴۵).

آینه شو، جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب

چو مستعد نظر نیستی، وصال مجوی

که جام جم نکند سود وقت بی‌بصری

۴-۴. ایمان و عمل

در نگاه قرآن پذیرش دین الهی و انجام اعمال نیک از دیگر عوامل تزکیه و تهذیب نفس شمرده شده است (طه: ۷۵ و ۷۶). عمل صالح اختصاص به کاری خاص نداشته بلکه انسان هر کاری را خالصانه و به قصد تقرب به خدا انجام دهد، موجب دور شدن از آلودگی‌ها و تهذیب نفس خواهد شد (هود: ۱۱۴).

کسالت بیدار و در نهایت به زندگی عالمانه و سعادت در حیات زنده شوند؛ بنابراین، وجود اولیاء الله و بعثت انبیا، اولاً به عنوان داعیان الی الله، و ثانیاً به عنوان وسائط افاضات نوری، و ثالثاً به عنوان متبهران از غفلت و کسالت، در تکامل نفس اثرگذار است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۸: ۱۱۳-۱۱۲).

۳-۴. محبت خداوند

محبت خداوند از جمله عوامل تهذیب نفس به شمار می‌آید، چرا که عشق به او موانع را برطرف و زمینه‌های تهذیب نفس را ایجاد می‌کند؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «قلوب العباد الطاهره، مواضع نظر الله سبحانه، فمن طهر قلبه نظر الیه»؛ دل‌های پاک بندگان، موضع و جایگاه نگاه خدای سبحان است. پس هر کس دلش را پاک کند، خداوند به آن دل می‌نگرد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: حدیث ۱۶۹۶۹).

ملاصدرا محبت را به اقسامی تقسیم می‌کند که هر یک از اقسام آن در ایجاد تهذیب نفس تأثیرگذار است. نخستین محبت، محبت الهی است. این محبت از اوصاف خداوند است؛ هر گاه خداوند به شیء غیر از خود محبت یابد، آن شیء را برمی‌گزیند و به کمال می‌رساند. قسم دیگر محبت، محبت شخص به حال یا کمالی خاص است. این محبت با برانگیختن فرد به سوی آن کمال، مبدأ تکامل می‌گردد.

سومین قسم محبت، معنایی روحانی و مفهومی درونی است که در آن محب غرق در وجود محبوب است. محب در پی این محبت، آنچنان مجذوب محبوب می‌شود که می‌خواهد تمام کمالات وی را در خود متجلی سازد. از آنجا که محبت امری ذوقی و وجدانی است، وجود محب هر قدر لطیف‌تر و نورانی‌تر باشد، محبت در او کامل‌تر و نفس به مراتب متکامل‌تر خواهد شد. در ممکنات، نهایت عشق و کمال این محبت در وجود نبی خاتم، حضرت محمد (ص) است که تجلی تام صفات الهی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۸: ۱۵۶).

غایت آن چیزی است که بشر به آن می‌تواند دست یابد (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۷: ۱/۳۲۶).

۴-۶. توفیق الهی

توفیق الهی از مهم‌ترین عوامل تهذیب نفس انسان است، چرا که اگر لطف و فضل خداوند متوجه وجود انسان نشود، انسان هرگز قادر به تهذیب نفس خود نخواهد بود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد! و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی‌شد ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می‌کند، و خدا شنوا و داناست! (نور: ۲۱).

با توجه به آیه مذکور، به وضوح پیداست که اساساً تهذیب و تزکیه بشر گاه موهبتی است از سوی خداوند و گاهی اکتسابی است که مرهون تلاش بشری است؛ به این معنا موهبت الهی است که خداوند از آغاز برخی انسان‌ها همچون انبیا و امامان و برخی اولیاء خالص الهی را بر فطرت پاک خلق کرده و آنان را در برابر آلودگی‌ها از حمایت ویژه خود برخوردار کرده است؛ آیه تطهیر نیز در همین راستا است: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهيراً» (احزاب: ۳۳). اکتسابی است به این معنا که انسان باید با تلاش خود، نفس خویش را از آلودگی‌ها منزه سازد ولی خداوند اسباب و زمینه‌های تزکیه را فراهم می‌کند. فلسفه ارسال پیامبران الهی که برای آشنا کردن انسان با معارف دینی و تطهیر انسان یا توفیق کسب توبه انسان از گناه یا انجام عبادات که برای حصول تزکیه مبعوث شده‌اند، در این راستا است.

صدرالمتألهین معتقد است «علوم کشفی و معارف شهودی عالی‌تر از اعمال و کردارند... در میان علوم مکاشفه‌ای نیز، معرفت‌الله برترین علم است و علوم دیگر همگی مقدمات و وسایل رسیدن به این معرفتند و هر عملی که در درک خداوند کارآمدتر باشد، از شرافت و فضیلت بیشتری برخوردار است. ادله علم الهی نیز از ادله مابقی علوم برترند، چرا که برخلاف ادله دیگر علوم، مقید به زمان و مکان یا صفت خاصی نیستند. بدیهی است که خداوند برترین موضوع و نتیجه است؛ بنابراین، معرفت خداوند هم در موضوع، هم در دلیل و هم در نتیجه برترین است» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۷۴-۷۲).

۴-۵. تقوای الهی

تقوا نقش بی‌بدیل و مهمی در تهذیب و تزکیه نفس دارد؛ بدین جهت خداوند در طبیعت آدمی هم زمینه ارتکاب فجور و هم زمینه کسب تقوا را به ودیعه نهاده و تنها کسی را اهل فلاح و رستگاری دانسته است که راه تقوا را برگزیده و بدین وسیله خود را تزکیه نماید (شمس: ۹ و ۱۰). همچنین در آیه دیگری مؤمنان را از خودستایی و پاک شمردن خود برحذر داشته و خداوند را آگاه‌تر از حال تقواییشان معرفی کرده است (نجم: ۳۲).

ملاصدرا بر این باور است که کسانی که ترس از آخرت و امید به مغفرت و بهشت داشته باشند و در دنیا زهد پیشه کنند و از لذات زودگذر دنیا بگذرند، سرانجامشان سرای سلامت و ورود به بهشت و امنیت از عذاب آتش است؛ و هر کس که ادراک امور الهی و اشتیاق به احاطه عقلیات و تجرد از جسمانیات بر او غلبه کند، سرانجام در سلک اهل ملکوت داخل می‌شود و بلکه در صف اعالی مهیمن خواهد ایستاد. البته این در صورتی است که عقاید حقه او به کشف تام منتهی شود و با زهد حقیقی و نیتی همراه باشد که از همه آنچه او را از جانب قدس الهی رویگردان می‌کند خالی باشد. این

امر جز به واسطه مجاهده و بندگی و خودداری از هوی و هوس‌های نفسانی میسر نیست (همو، ۱۳۶۳: ۱۰۸).

البته باید توجه داشت اگر انسان در این خط سیر تکامل الهی قرار گیرد و به تهذیب نفس برسد، باید از آن به درستی مراقبت کند؛ در نتیجه مراقبت از جمله عوامل مهم توجه به تهذیب نفس است. وقتی تهذیب نفس در وجود انسان شکل گرفت و از آن طریق انسان به سعادت رسید، استمرار آن نیازمند مراقبت شدید است و همواره باید اخلاق و کردار و حتی افکارش را تحت کنترل و نظارت کامل قرار دهد. البته حفظ آن نیز مهم‌تر و هم سخت‌تر از ایجاد آن است، بنابراین باید تمام توجه خود را به خدا متمرکز سازد. لازمه مراقبت نفس، محاسبه آن است، مراقب نفس بودن شرط بقاء تهذیب نفس است و اگر از روی غفلت یا جهل، مراقبت از نفس به فراموشی سپرده شود، زمام امور رها می‌شود که خطرناک است؛ مراقبت از نفس به نوعی مدیریت نفس است.

بحث و نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب بیان‌شده چنین استنباط می‌شود که ملاصدرا توجه جامع و کامل به مسئله تهذیب نفس داشته و به آن جامعه عمل پوشانده و در آثار علمی خود به آن پرداخته است. او معتقد است در قرآن بارها به طور مستقیم و غیر مستقیم به مسئله تهذیب و تزکیه نفس اشاره شده و آن را از مهم‌ترین اهداف رسالت پیامبران و وظایف ائمه اطهار می‌داند، چرا که تهذیب و تزکیه نفس می‌تواند تأثیرات بسیار شگرف و مهمی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی بشر داشته باشد و باعث رشد، کمال، تعالی و سعادت دنیا و آخرت انسان شود. صدرالمآلهین معتقد است تهذیب نفس مقدمه معرفت نفس و معرفت نفس مقدمه معرفت الله است.

ملاصدرا عوامل متعددی مانند قرآن، انبیا و راهنمایان، علم، عمل و عبادات، تأییدات الهی،

چنانکه صدرالمآلهین در این باره گفته است، طی کردن این مراتب به هدایت و ارشاد الهی مشروط است و البته این لطف، شامل افراد انسانی نمی‌شود، بلکه تنها آنها را شامل می‌شود که خدا بخواهد و اراده کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۹۰: ۳۲۴).

۴-۷. عبادت الهی

همان‌گونه که ریاضت و ورزش برای تندرستی و سلامت انسان ضرورتی شایسته و بایسته است، ریاضت و مبارزه جدی با نفس در خودسازی و تهذیب نفس نیز امری لازم است. ملاصدرا نیز بر این باور است که نافع‌ترین تمرین برای ارتقاء نفس، ریاضت‌هایی است که در شرع معرفی شده است تا نفس را از خواب غفلت بیدار و از اسارت جهل آزاد سازد (همو، ۱۳۵۸: ۹۶).

او ریاضات و عبادات را بر دو قسم می‌داند: عبادات آشکار بدنی و عبادات مخفی قلبی. عبادات بدنی، اوامر و نواهی ربانی همچون طهارت، صوم، زکات، حج، جهاد و دیگر احکام شرعی هستند که توسط پیامبر (ص) برای انسان‌ها آورده شده و اطاعت از آنها با اجر الهی همراه است. عبادات قلبی عبارتند از شناخت باری تعالی، معرفت انبیا و مرسلین، علم به نحوه بعثت آنها و نزول کتب آسمانی، معرفت نفس، شناخت معاد روحانی و جسمانی و... عبادات بدنی، فرعیات شرع و عبادات قلبی، اصول نظری دینند و قسم اول از قسم دوم منبعث می‌شود (همو، ۱۳۸۱: ۳۷-۳۶).

اهدافی در عبادات و ریاضت‌های شرعی وجود دارد که مهم‌ترین آنها قطع توجه از غیر خدا به خداوند است. ملاصدرا عبادت را برای انسان مفید دانسته و معتقد است بازگشت عبادات به خود انسان است؛ عبادت نیز به خود انسان‌ها باز می‌گردد نه به آفریننده آنها. مقصود از عبادت نیز رسیدن به سعادت و نیکبختی است و سعادت و نیکبختی انسان عبارت است از مشاهده خدا به واسطه فنا از ذاتشان و بقا به ذات خداوند که این

زیبیدی، مرتضی (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالهدایه.

صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۵۸). الواردات القلیبة. ترجمه احمد شفیعیها. بی جا.

_____ (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب. مقدمه و تصحیح محمد خواجهوی. تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.

_____ (۱۳۸۱). کسر الاضنام الجاهلیة تصحیح محسن جهانگیری. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

_____ (۱۳۹۰). مبدأ و معاد. ترجمه احمد حسینی اردکانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

_____ (۱۴۰۴ق). اکسیر العارفین. توکیو: جمعیه دراسات الفکر الاسلامی.

_____ (۱۴۱۷ق). الشواهد الربوبية فی مناهج السلوکية. بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.

_____ (۱۴۲۰ق). العرشية. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

_____ (۱۳۴۰). رساله سه اصل. تصحیح سیدحسین نصر. تهران: دانشگاه علوم معقول و منقول.

_____ (۱۳۷۱). عرفان و عارفانمایان، ترجمه کسر اصنام الجاهلیة فی الرد علی الصوفیة. ترجمه محسن بیدارفر. تهران: الزهرا.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۰). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۱۲. ترجمه موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۴). الروضة من کافی. ترجمه رسولی محلاتی. تهران: انتشارات اسلامی.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). میزان الحکمة. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

معلوف، لوئیس (۱۳۸۱). المنجد فی اللغت. قم: ذوی القربی.

محبت، ملکات و صفات حسنه را به عنوان علل موثر در تهذیب نفس و در نتیجه تکامل و تعالی نفس انسانی برمی شمارد. او نافع ترین تمرین برای ارتقا و تهذیب نفس را عبادات و ریاضت های شرعی می داند. در نتیجه، تهذیب نفس در تفکر ملاصدرا موجبات تقرب الی الله را فراهم می سازد که انسان طالب کمال و تعالی در جستجوی آن است.

از نگاه صدرالمتألهین حفظ تهذیب نفس مهم تر از ایجاد آن است. وقتی تهذیب نفس در وجود انسان شکل گرفت و از آن طریق انسان به سعادت رسید، استمرار آن نیازمند مراقبت درست و شدید است. وی معتقد است همواره باید مراقب نفس خود بود و اخلاق و کردار و حتی افکارش را تحت نظارت کامل قرار داد. ملاصدرا به تهذیب نفس نه تنها به عنوان کلید تعالی باور و اعتقاد داشت، بلکه در مقام عمل، تهذیب و تزکیه نفس را سیره خود قرار داده و زندگی وی آیین تمام نمای اعتقاد او به تهذیب نفس بود.

منابع

قرآن کریم.
نهج البلاغه.

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۶۲). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۷م). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۴۱۶ق). محاسن برقی. تحقیق سیدمهدی رجایی. ایران: مجمع جهانی اهل بیت.

خمینی، روح الله (۱۳۷۱). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.